

دکتر رضا آیرملو  
پروفیسور جامعہ شناسی - سوئڈ

خیزش و فروپاشی تاریخی "اتوپپای انقلاب ۱۳۵۷"  
(و عواقب روانی-اجتماعی آن)

### **حق چاپ و تکثیر محفوظ است**

ناشر: انتشاراتی اینواند لیتراتور، گوتنبرگ، سوئد

تاریخ انتشار ۲۰۱۲-۲۰۱۱ میلادی- سوئد

شماره ثبت در سوئد ISBN : 978-91-980013-0-3

نقاشی روی جلد از سودابه اردوان

پخش و فروش: انتشاراتی Invand-Lit، و سایر کتابفروشی های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا

تماس از طریق [www.professor-reza.com](http://www.professor-reza.com)

## سرآغاز

این کتاب بر آن است تا از طریق تحلیل نقش اتوپیا‌های "ظهور و نجات" در فرهنگ ایران، علل خیزش و فروپاشی اتوپیا‌های ایرانی، از جمله "اتوپیای انقلاب ۵۷" را توضیح دهد. در این سالها، اجتماعی شدن اینگونه باورهای اتوپیائی فرهنگی-مذهبی، راه را به برپائی اشکال مختلف "اتوپیای ایرانی"، - از اتوپیای سوسیالیستی- کمونیستی، تا اتوپیا‌های جامعه "بی طبقه توحیدی"، "جامعه صلواتی امام زمانی" و "جامعه مستضعفان"- هموار کرد. و آن نیز در نهایت به قدرت رسیدن خمینی به عنوان نماینده اتوپیای "ظهور و نجات امام زمانی" را - که گویا قرار بوده پول نفت را به تساوی قسمت کرده و دم در خانه ها تحویل دهند-

به دنبال آورد.

تسلط رژیم بنیادگرای جمهوری اسلامی اما، همچون انفجار مهیبی پایه‌های "مدینه‌های ایده‌آلی دوره انقلاب" را به یکباره فرو ریخت. نمایندگان "حکومت مستضعفان امام و امت"، جامعه موعود اسلامی خود را بر اساس ایده‌آل‌های "جامعه موعود عادل آخرالزمانی" بنا کردند ولی، - نه از عدل خبری شد و، - نه از خریدهای صلواتی!

"به جای نان، گلوله قسمت شد" ۱، و به جای پول نفت، نداری و نابرابری سهمیه بندی شدند.

بدین نحو، فقیران، فقیرتر و پولداران پولدارتر شدند، و پوشیدن لباس پاسداری، جنگیدن و جان باختن در راه امام و نایبانش، و همچنین جاسوسی و مزدوری برای رژیم جمهوری اسلامی، به تنها راه معیشت و ترقی و پیشرفت فقیران و محرومین جامعه تبدیل گردید. بالاخره، در ادامه راهی که به هیچ جامعه ایده‌آلی متصور می‌شد و نشد، بسیاری،

- از جمله بخشی از جویندگان "مدینه فاضله امام زمانی"-

در بر خورد با واقعیت‌های سهمناک "حکومت مستضعفان!"، از خواب شیرین سحرگاهان انقلاب ایده‌آلی، چشم به تاریکی پهراس شب تیره حکومت "نایبان امام زمان" گشودند. بسیاری حتا بدین واقعیت تلخ اعتراف کردند که:

---

۱- مینا اسدی. ر. ک. به متن کتاب.

- دیگر از "امام" هم معجزه‌ای بر نمی‌آید! و،

- حکومت "امامان" هم به عدالتی که در "اتوپپای شیعه‌گری" لانه کرده، ره نمی‌برد. از اینجا، بنای همه اتوپپاهای اسلامی و شیعه‌گری، با هر نام و عنوانی که عرضه می‌شده، در فکر و ذهن مردم، به خصوص مردم بر آمده از "طبقه متوسط مدرن شهرنشین، شروع به فرو ریختن میکند. دیگر کسی در انتظار معجزه هیچ "نجاتی" نمی‌ماند. بسیاری حتی تا آنجا به سرحد ناامیدی می‌رسند که دردمندانه فکر می‌کنند دیگر دوره ایده‌آل‌ها، اتوپپاها و انقلابات به سر رسیده و اینک برای زندگی رسم دیگری باید:

- رسمی که انگار هیچ مرزی از قباحت، و تعرض و تجاوز به جان و مال و نوامیس مردم نمی‌شناسد.  
بی تردید این بهائی بس گران برای زیستن با هر "موقیتی" است.

\*\*\*

اما قبضه "انقلاب آرمانی" به وسیله نمایندگان "اتوپپای ظهور و نجات" جز از راه سرکوبی آرزوهای اتوپپائی، تخریب "اتوپپاهای رهائی ایرانی" و تار و مار کردن انقلابیون آرمانخواه ممکن نشد. این واقعه اما، اتفاقی گذرا نبوده و نیست، و زخم‌های عمیقی را در ذهن و روان، و همچنین در مناسبات اجتماعی ایرانیان، به خصوص مردم بر آمده از طبقه متوسط شهرنشین، بر جا نهاده است.

در نتیجه، آنچه از خیزش و فروپاشی "اتوپپای انقلاب ۵۷" بر جای مانده، جامعه‌ای است

بدون آینده،

بدون فردا،

بدون اتوپپا و،

بدون ایده‌آل.

از آن پس،

ناامیدی،

سکوت،

ترس،

محافظه کاری،

پچ پچ و هیس هیس،

تقیه،

دو روئی،  
دروغ،  
"زرنگی"،  
ظاهرسازی و،  
تزویر،  
دوباره به رسم غالب زمانه تبدیل می‌گردد.

\*\*\*

در حال حاضر، مردم ایران همانند مردم هر شهر فتح‌شده خود را در آشوبی از تالان و چپاول می‌یابند. آنان همانند سربازان هر اردوی شکست‌خورده، برای شکار نشدن شان، راهی جز تنها ماندن، تنها فرار کردن، تنها زیستن، تنها رزمیدن و، تنها شکار کردن نمی‌یابند. آنان دیگر یاد گرفته اند که در این آشوب بی‌امان، هر کس باید بار خود را به تنهایی به دوش بکشد. در این نگرش جدید، پیوستن به دیگران، یاری کردن و برداشتن بار دیگران، حماقتی بیش جلوه نمی‌کند، تا کج‌مانده فداکاری برای دیگران، که حماقتی آشکار و جرمی قابل مجازات تلقی می‌شود. هم از این رو، آرمان و آرمانخواهی از مناسبات اجتماعی مان رخت بسته، و سرکوبی فکری مردم آرمانخواه به بی‌هویتی سیاسی- اجتماعی عمیقی دامن زده است.

\*\*\*

در این اوضاع و احوال سربی رنگ، هر چه زمان می‌گذرد، آثار و عواقب ذهنی، روانی و اجتماعی فروپاشی "اتوپیای انقلاب و رهائی" هر چه بیشتر تعمیق می‌یابد، و تولد هر فردای دگرگونه و هر "ظهور و رهائی" متفاوتی را ناممکن می‌سازد. بحران پشت بحران می‌آید. بحران "لحظه‌ای بودن"، بحران "بی‌فردائی"، بحران "بی‌ارزشی"،

بحران "بی‌هویتی"،  
بحران دوگانه بودن و،  
بحران "نگرش غیرمنطقی به حوادث و خواست‌ها و انتظارات رو به فردای خود"،  
همچون پاسخی جمعی مردم شهر تسلیم شده به اوضاع و احوال حاکم، بخش‌های  
پزشماری از مردم ایران در داخل و خارج را در خود می‌بلعند. اینک به واقع مائیم  
و نظم اجتماعی بی‌کی که در آن  
"خیرات، بر اطلاق، روی به تراجع (عقبگرد) نهاده و همت مردم از تقدیم حسنات  
قاصر گشته ...

می‌بینیم که کارهای زمانه، میل به ادبار دارد و چنانستی که  
خیرات، مردمان را وداع کردستی و  
افعال ستوده و اقوال پسندیده، مدروس گشته،

و عدل، نابیدا

و جور، ظاهر

و لؤم و دنائت، مستولی

و کرم و مروّت، متواری

و دوستی‌ها، ضعیف

و عداوت‌ها، قوی

و نیکمردان، رنجور و مستذل

و شریران، فارغ و محترم

و مکر و خدیعت، بیدار

و وفا و حریت، در خواب

و دروغ، موثر و مثمر

و راستی، مهجور و مردود

و حقّ، منهزم

و باطل، مظفر

و مظلوم محقّ، ذلیل

و ظالم مبطل، عزیز

و حرص، غالب

و قناعت، مغلوب

و عالم غدار و زاهد مکار، بدین معانی، شادمان و به حصول این ابواب، تازه روی

و خندان . . . " ۲

بدین سان، زندگی اجتماعی جامعه ما مردم برآمده از طبقه متوسط ایران در درون و برون مرز،  
- بغض کرده و عبوس-

به انتظار می‌ایستند، تا شاید مجدداً "خروس‌ها بر قوم بنی اسرائیل بخوانند (تورات، عهد قدیم) و حرکت به سوی ارض‌موعود و "مدینه فاضله ایرانی دیگری" را نوید دهند.

برای شنیدن آواز سحرگامی خروسها، درمان زخمها و جبران عواقب پایدار و درازمدت این سرکوبی آرمانی و اتوپیائی، راهی جز ساختن و پرداختن آرمان و اتوپیای ذهنی مشترک دیگری وجود ندارد. این به تنهایی به معنی عبور از نقش فرهنگی- مذهبی "امام زمان غائب"

- که "ظهور" ناپیانش به هیچ "نجاتی" منجر نشده-  
و سپردن وظیفه "ظهور و نجات" به مردم آرمانخواه است.

این کتاب که بر اساس بازنویسی کتاب نویسنده تحت عنوان "مدینه فاضله ایرانی ... " فراهم آمده، موضوعات فوق را از زاویه گذر و تکوین تاریخ تحولات ایران مورد بحث قرار می‌دهد. تحولات اجتماعی- سیاسی ایران را از زاویه "خیزش و فروپاشی" اتوپیاها، انقلاب" توضیح داده، و بدین وسیله، توجه خوانندگان را به موضوع نه چندان شناخته شده "تکوین تاریخی- اجتماعی اتوپیاها و نقش ایده آل های ذهنی اجتماعی- سیاسی در تحولات اخیر ایران" جلب می‌کند. امید که این کند و کاو تاریخی و روانشناختی- اجتماعی ولو خلاصه، به درک و فهم آثار و عواقب روانی- اجتماعی سرکوبی نهائی ترین اتوپیای انقلاب (یا انقلاب اتوپیائی ۵۷) در بین ما ایرانیان یاری رسانیده، راه را برای برون رفت از این شرایط "فروپاشی ذهنی و ایده الی اجتماعی" هموار سازد.

باشد که دانش پژوهان علوم اجتماعی کشور ما، بر پله ابتدائی این رشته از دانش اجتماعی، پله‌ها و بناهای رفیعی از دانش و آگاهی بنا کنند. و بدینوسیله، راه را برای تحول باورها و آرمان‌های اجتماعی مردم هموار کرده، به گذر جامعه ایرانی از ذهنیت های سنتی-مذهبی کهنه مدفون شده در اعماق تاریخ به آرزوهای آرمانی و ذهنی لایق عصر و زمانه امروز و فردا، یاری رسانند.





## فهرست مندرجات

- فصل اول- سوگ انقلاب اتوپیایی فروپاشیده ..... ۱۵
- تکوین تاریخی اتوپیا ..... ۱۵
- فروپاشی اتوپیای جهانی و ظهور ضد اتوپیا ..... ۱۹
- ضد اتوپیای نو و سوگ اتوپیای انقلاب ۵۷ ..... ۲۵
- فصل دوم- نقش های اجتماعی اتوپیای ایرانی "ظهور و نجات" ..... ۳۳
- فصل سوم- باورهای اتوپیایی و خاستگاههای اجتماعی-فرهنگی ..... ۴۳
- خاستگاهها و باورها ..... ۴۳
- سرکوبی اجتماعی و اتوپیای رهائی ..... ۴۵
- فصل چهارم- گذر تاریخی رهائی آرمانی ..... ۵۱
- جامعه فاضله مزدکیان ..... ۵۱
- اتوپیای آرمانی مزدکیان ..... ۵۶
- بهشت آرمانی اسلام ..... ۵۹
- جامعه آخرالزمان ایرانی ..... ۶۹
- تحقق زمینی آخرالزمان ایرانی ..... ۷۶
- اسطوره رهائی چملی بل همچون یک اتوپیای خلقی-منطقه ای ..... ۷۹
- فصل پنجم- تولد دوباره ..... ۸۷
- آرمانی به نام مشروطیت ..... ۸۷

۹۵	.....جامعهٔ آرمانی کمونیستی در ایران
۹۶	.....اتوپیای کمونیستی-سوسیالیستی ایرانی
۱۰۰	.....اتوپیای نوین و لایه های میانی شهری
۱۰۲	.....تضادهای فرهنگی-طبقاتی "مدرن و سنتی"
۱۰۷	.....اتوپیاهای بی طبقهٔ توحیدی
۱۰۸	.....تحول فلسفی ایده ال های شیعه گری
۱۱۲	.....آرمانشهر ملی ایرانی

### فصل ششم- فروپاشی آرمانشهر ملی و انقلاب اتوپیائی..... ۱۱۵

۱۱۵	.....اتوپیائی به نام انقلاب
۱۱۹	.....انقلاب و ضدانقلاب ۵۷
۱۲۲	.....در سوگ فروپاشی تاریخی و شهر اشغال شده
۱۲۹	.....انسان ایرانی بدون اتوپیا
۱۲۹	.....انسان دوگانه
۱۳۰	.....بحران اخلاقی
۱۳۲	.....انسان لحظه ای
۱۳۴	.....دوگانه بودن با خود
۱۳۵	.....بحران ارزیابی ارزشها
۱۳۸	.....دور باطل

### فصل هفتم- در دوراهی تقدیر و معماری جامعهٔ آرمانی نو..... ۱۴۳

۱۴۸	.....محتوای طلسم تاریخی "ظلم و بیعدالتی"
۱۵۱	.....حقوق طبیعی بشر
۱۵۳	.....آزادی
۱۵۶	.....قانون و قرارداد اجتماعی
۱۵۸	.....دموکراسی

عدالت اقتصادی..... ۱۶۰

مدنیت عصر حاضر..... ۱۶۲

سکولاریسم و لائیسبیم اجتماعی..... ۱۶۳

جمع‌بندی..... ۱۶۴

### فصل هشتم- توضیحات بنیادی برای درک و فهم جامع کتاب..... ۱۷۱

توضیح شماره ۱- رفع ستم جنسی و نه عمومی کردن سکس..... ۱۷۱

توضیح شماره ۲- دیکتاتوری و ترس..... ۱۷۴

توضیح شماره ۳- دین از اعتراض تا حکمرانی..... ۱۸۲

توضیح شماره ۴- طبقه متوسط و اقشار سنتی و مدرن در ایران..... ۱۹۴

توضیح شماره ۵- سوسیالیسم در دوراهی سرنوشت..... ۲۰۴

توضیح شماره ۶- بنیادگرایی نو..... ۲۰۶

توضیح شماره ۷- انقلاب، اصلاحات و رویش..... ۲۱۱

توضیح شماره ۸- بحران اخلاقی به صورت به هم خوردن معیارهای نیک و بد در

بین ایرانیان..... ۲۲۶

توضیح شماره ۹- پیچیدگی ساختاری جوامع در حال رشد و جدال "کهنه و نو" ۲۲۸

سابقه نوشتاری نویسنده..... ۲۳۳

